

حق توسعه از ادعای سیاسی تا مطالبه حقوقی

یوسف مولایی *

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۲/۹)

چکیده:

حق توسعه، مفهومی بحث‌انگیز، مبهم و تا حدودی انتزاعی که با توجه به جوهره سیاسی آن، صف بندی‌های مختلف میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ایجاد کرده است. با وجود این، بین صاحب‌نظران و همچنین دولت‌ها در درک مفهوم حق توسعه اجماع حاصل نشده است. یکی از پژوهشگران هفت رویکرد را به حق توسعه معرفی کرده و نهادهای بین‌المللی مرتبط با امر توسعه نیز به طور مستقیم خود را با حق به توسعه درگیر نمی‌کنند. از این رو به نظر می‌رسد که این حق هنوز در مرحله شناسایی قرار داشته و روند پذیرش آن در جریان است. شفاف سازی این مفهوم می‌تواند روند پذیرش آن را سرعت بخشد. این مقاله در صدد است تا با دامن زدن به مباحث نظری به فهم بهتر مفهوم حق به توسعه کمک کرده و در مسیر اجرای آن را هموار کند.

واژگان کلیدی:

حقوق دسته جمعی، حقوق همبستگی، وابستگی حقوقی، نسل سوم حقوق بشر از تنوری تا واقعیت، حقوق بشر در عمل، مناظره شرق و غرب، ادعای کشورهای در حال توسعه، ماهیت حق به توسعه

مفهوم حق به توسعه

مباحث مربوط به توسعه از گفتمان استقلال‌طلبی کشورهای جهان سوم در دهه شصت وارد مناسبات بین‌المللی شده است. از دید کشورهای جهان سوم، عقب‌ماندگی اقتصادی و اختلاف عمیق سطح توسعه بین جهان اول و جهان سوم مانع از دستیابی کشورهای در حال توسعه به استقلال واقعی است. چرا که استقلال سیاسی فقط یکی از پایه‌های استقلال کشورهاست و پایه دیگر استقلال توسعه اقتصادی است. از آنجا که کشورهای توسعه یافته به خاطر سیاست‌های استعماری موجب عقب‌ماندگی اقتصادی کشورهای جهان سوم شده‌اند از این جهت، کشورهای توسعه یافته جهان اول باید برای جبران ضررهای وارده به کشورهای جهان سوم، آنها را در مسیر توسعه اقتصادی یاری داده و به طور مشخص نسبت به انتقال دانش فنی و سرمایه‌گذاری مستقیم، اعطای تسهیلات مالی به کشورهای در حال توسعه متعهد بشوند. بخشی از این مباحث در قالب اجلاس سازمان ملل برای توسعه و تجارت (آنکتاد) پیگیری و بخش دیگر در قالب مذاکرات دوره ای گات مطرح شد. قسمتی از این گفتمان در چهارچوب منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها و نظم نوین اقتصادی ظاهر گردید. مجمع عمومی سازمان ملل نیز از سال ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ چهار دهه را بعنوان دهه توسعه نامگذاری و اعلام کرد. از طرف دیگر، کشورهای توسعه یافته در قالب قراردادهای دوجانبه و چندجانبه همانند قرارداد لومه به کمک کشورهای در حال توسعه شتافتند. مجموعه این تلاش‌ها به شکل‌گیری همکاری‌های اقتصادی با شرایط مساعد به کشورهای جهان سوم همانند سیستم عمومی ترجیحات در چهارچوب گات انجامید ولی به هیچ وجه منجر به ارتقاء مناسبات اقتصادی و همبستگی بین جهان اول و جهان سوم نگردید؛ در حالیکه توسعه مورد نظر کشورهای جهان سوم حامل بار اخلاقی بوده و بر همبستگی اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته صنعتی و کشورهای در حال توسعه تأکید می‌ورزید. با گذشت چهار دهه از آغاز این گفتمان، وجود فقر، بی‌عدالتی، عقب‌ماندگی اقتصادی و شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، حکایت از شکست کامل سیاست‌های توسعه می‌دهد.

در برداشت جدید از توسعه، امنیت، مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، محیط زیست و عدالت گنجانده شده است و توسعه با حقوق بشر و دموکراسی پیوند خورده است. با توجه به اهمیت مسأله توسعه در مجموعه حقوق بشر بر نسل سوم حقوق بشر بر محور حق به توسعه وارد گفتمان حقوق بشر شده است. اعلامیه حق به توسعه ۱۹۸۶ موجب تقویت بعد حقوقی این موضوع شده است.

مبنای حقوقی، سیاسی، اخلاقی

حق به توسعه

مبنای هنجاری حق بر توسعه عمدتاً بر قطعنامه های سازمان ملل و بویژه اعلامیه حق بر توسعه استوار است. کنفرانس های جهانی که در طول دهه ۱۹۹۰ توسط سازمان ملل برگزار گردید گفتمان حق به توسعه را نه تنها در بعد اخلاقی آن تقویت کرده بلکه امکان گذار از هنجار اخلاقی به هنجارهای حقوقی را نیز فراهم آورده است. اعلامیه ریو دوزاینرو ۱۹۹۲، اعلامیه و برنامه عمل وین سال ۱۹۹۳، برنامه عمل قاهره ۱۹۹۴، اعلامیه و برنامه عمل ۱۹۹۴ کپنهاک پلات فرم برای اقدام، ۱۹۹۵ پکن و اجلاس اسکان استانبول ۱۹۹۶، حق به توسعه را به عنوان بخش لاینجزای حقوق بشر مورد تأکید قرار داده و راه را برای ورود حق به توسعه به مجموعه حقوق بین الملل موضوعه باز کرد.

اعلامیه جهانی آموزش که در جومتین تایلند (Jomtien) در سال ۱۹۹۰ برگزار گردید ضرورت آموزش برای رسیدن به توسعه مستقل را مورد تأکید قرار داد. اعلامیه تصریح می کند که آموزش می تواند در ارتقاء سطح امنیت، سعادت، تعادل زیست محیطی در جهان، پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تأمل و همکاری بین المللی سهمی به سزا ایفاء کند.

در اعلامیه پکن (Beijing) شرکت کنندگان تعهد خود در الحاق به اعلامیه حق به توسعه را برای ارتقاء توسعه پایدار در خدمت فرد (پاراگراف ۲۷) و احترام به حقوق بین الملل را مورد تأکید قرار دادند (پاراگراف ۳۳). در قطعنامه تأسیسی شورای حقوق بشر به شماره ۶۰/۲۵ حق توسعه به عنوان بخشی لاینجزای حقوق بشر مورد تأیید قرار گرفته است و علاوه بر آن شورای حقوق بشر در نخستین نشست خود با ارج گذاشتن به تلاش ها و دست آوردهای سازمان ملل در حوزه های اقتصادی و اجتماعی و تأکید بر اهمیت قطعنامه حق به توسعه مصوب ۱۹۸۶ و تمامی کنفرانس ها اجلاس و برنامه های سازمان ملل در زمینه حمایت و ارتقاء حقوق بشر قطعنامه ای در زمینه حق به توسعه تصویب و از گروه کاری و کمیسیون فرعی ارتقاء و حمایت از حقوق بشر درخواست می کند که به فعالیت و مأموریت خود در خصوص حق به توسعه ادامه دهند و دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد را به انجام اقدامات لازم و تأمین منابع مالی لازم جهت اجرای مؤثر این قطعنامه ترغیب و تشویق می کند.

ماهیت حق به توسعه

حق به توسعه پایه و محور حقوق همبستگی است و حقوق همبستگی بخشی از حقوق آرمانی است که متکی بر یک جهان بینی متعالی است. بر پایه این جهان بینی انسان فاعل، موضوع، ذی نفع و ذی حق بالاترین سطح از عدالت در مناسبات بین انسان ها در کره خاکی

است. حق به توسعه حقی است به روندی خاص از توسعه که در آن تمامی حقوق بشر و آزادی‌های عمومی به طور کامل و به صورت یک مجموعه بهم پیوسته می‌توانند محقق شوند. این بدان معنی است که پروسه حق به توسعه مجموعه ای از ارزش‌هاست که در برگیرنده هر دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و در جستجوی عدالت متعالی از ظرفیت‌ها در دو میثاق فراتر رفته و آزادی پایدار هر انسان و همه انسانها را طلب می‌کند و از اینرو یک حق جهت‌دار و عدالت محور می‌باشد. جوهر حق به توسعه در مشارکت آزاد، مؤثر و کامل و هدفمند همه انسانها، دولت‌ها، بازیگران مناسبات اجتماعی و اقتصادی برای تحقق عدالت، نهفته است.

آقای ارگو سنگوپرا (Argun Sengupra) در شناساندن ماهیت حق به توسعه در یک قالب آرمانی بیشتر به شرح و توضیح ویژگی‌های حق به توسعه می‌پردازد (Argun 837-889 Sengupra, 2002, pp در این جهت گیری او وفاداری خود به ایده آلهای آقای کارل واساک (Vasak Karel) در مورد حقوق همبستگی نشان می‌دهد و توسعه را یک پروسه می‌داند، با وجود این، مشخص نمی‌کند که این پروسه به چه صورتی در داخل نظام اقتصاد بین‌المللی که متکی بر ارزش‌ها و معیارهای لیبرالی با همبستگی آرمانی، می‌تواند سازگار باشد (Vasak Karel, nov.1977, p 639). یکی دیگر از ویژگی‌های حق توسعه که در دیدگاه آقای سنگوپرا مطرح شده است، همکاری هر فرد با دولت ملی و همکاری دولت‌ها در سطح جهانی برای تحقق حق توسعه می‌باشد. این بحث نیز الهام گرفته از دیدگاه آقای واساک است. از سوی دیگر، او بر همکاری همه بازیگران از افراد گرفته تا دولت‌ها در سطح ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند. همکاری در مفهوم حقوقی آن در چهارچوب مناسبات قراردادی و قانونی شکل می‌گیرد و طرف قرارداد بر مبنای انتظارات متقابل به مبادله و معاوضه امکانات یکدیگر می‌پردازند. در حالیکه آقای واساک، قالب‌های حقوقی متعارف و شناخته شده را برای انجام وظیفه آرمانی و اخلاقی همبستگی کافی ندانسته و انتظار دارد که اشخاص و بازیگران عرصه ملی و بین‌المللی کلیه توانایی‌ها و امکانات و منابع خود را بدون چشم داشت معاوضه ای و صرفاً برای تحقق امر توسعه به خدمت بگیرند. آقای محمد بیجاوی حق به توسعه را آلفا اومگا (Alpha et l'omega) حقوق بشر دانسته و آن را آغاز و غایت حقوق بشر معرفی می‌کند (Bedjaoui, Mohammad, 1991 p. 1252).

افراد در قبال توسعه جامعه ملی و توسعه امکانات تداوم حیات خود نه تنها صاحب حق می‌باشند بلکه تکلیف افراد برای تحقق این حق بالاترین تکلیف آنها می‌باشند. تلاش تک تک افراد جامعه، توسعه در سطح ملی را تحقق می‌بخشد و از این طریق عنصر همبستگی موتور محرک توسعه جامعه قرار می‌گیرد. این رویکرد در چهارچوب دیدگاه ارزش‌های آسیایی نیز

به نوع دیگری مطرح شده است که بر مبنای آن رفاه و آسایش مردم مدیون انضباط و وظیفه شناسی آنها در قبال جامعه تلقی شده و ارتباط آن با حقوق بشر و دموکراسی نفی شده است. مشکل این دیدگاه در این هست که انسانهای مکلف همزمان انسان صاحب حق معرفی نمی‌گردند و از درون ارزش‌های آسیائی، استبداد آسیائی جان می‌گیرد. از این جهت آقای کیم دای چونگ فعال سابق حقوق بشر و رئیس جمهور پیشین کره جنوبی بدرستی با دیدگاه ارزش‌های آسیائی مخالفت می‌کند (KimDae jung 1994, 73:190).

در چنین فضائی است که آقای واساک همراهی و همکاری افراد جامعه و دولت را یک ضرورت معرفی می‌کند. آقای چونگ معتقد است که وظایف و تکالیف شهروندان بخشی از حقوق بشر است و هیچگاه در تقابل با حقوق آنان قرار ندارند. فهم این امر برای درک ارتباط بین حقوق بشر و توسعه ضروری است. با وجود این، حق به توسعه یک حق در حال تکوین بوده و ضمن اینکه تکالیف اخلاقی و فضیلتی به عهده دولت و افراد جامعه می‌گذارد ولی تعهدات حقوقی به مفهومی که نقض آنها مسئولیت برانگیز باشد را شکل نداده است و به قول کانت در زمره تعهدات ناقص قرار می‌گیرد.

ویژگی‌های حق به توسعه

حق به توسعه در کانون و محور نسل سوم حقوق بشر قرار دارد. در این نسل دو گروه از حقوق در کنار هم قرار دارند. گروه اول شامل حق تعیین سرنوشت، حق توسعه و حق به میراث مشترک بشریت می‌باشد و گروه دوم شامل حق بر صلح، حق بر محیط زیست سالم و پایدار، حق بر دریافت کمک‌های بشر دوستانه و حق بر ارتباطات می‌باشد. گروه اول مطالبات اختصاصی کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بوده و متعاقب مبارزات استقلال-طلبانه کشورهای استعمارگر در قبال عقب ماندگی جهان سوم و حمایت آنان از نظم نوین اقتصاد جهانی و تقسیم عادلانه بازار کار بین المللی شکل گرفته و به طور کلی بر استقلال سیاسی و اقتصادی استوار می‌باشد. از این میان، حق تعیین سرنوشت هم در نسل اول و هم نسل دوم حقوق بشر یعنی در دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است و حق بر میراث مشترک بشریت در کنوانسیون مونته‌نگو بای ۱۹۸۲ قابلیت اجرایی یافته است. مطلب قابل توجه این است که حق توسعه به صورتی که در دهه شصت مورد توجه کشورهای جهان سوم بود، از حق توسعه ای که در ادبیات حقوق بشری تحول یافته است فاصله بسیار دارد و بیشتر از جنس حقوق نسل اول و دوم است و بر

آزادی، برابری، منزلت، سعادت انسان، عدم تبعیض و رفاه تک تک افراد متکی است. در حقیقت حق به توسعه یک حق فرآیندی است که ارتقاء و تحقق نسل اول و دوم زمینه های تحقق و اجرای آن را فراهم می کند. از اینرو حق بر توسعه حق انسان آزاد و دارای منزلت انسانی است که قبل از همه در مقابل دولت و علیه تعرضات و عدم کارآمدی دولت مطرح می شود و بر این فرض استوار است که دولت ها با فعل یا ترک فعل خود از مسئولیت خود در قبال توسعه جوامع انسانی شانه خالی می کنند. فرد صاحب حق در نسل سوم، بر خلاف نسل اول و دوم، نقش انفعالی نداشته و در کنار دولت و به عنوان یک بازیگر فعال در فرآیند توسعه خود باید مشارکت فعال داشته باشند. و عنصر همبستگی در همکاری، همیاری همه اعضای جامعه، نهادهای مدنی و دولت در ارتقاء سطح زندگی مردم و توسعه همه جانبه جامعه، ظاهر می گردد. برخلاف نسل اول و دوم که دولت مخاطب مطالبات و ادعاهای فرد است. در حق به توسعه عنصر همبستگی نه تنها دولت و مردم را در کنار هم قرار می دهد بلکه دولت های توسعه یافته و در حال توسعه نیز برای تحقق حق توسعه باید گامهای فراتر از همکاری با یکدیگر بردارند. در نسل سوم همبستگی و برادری یک ارزش و مکمل ارزش های آزادی و برابری (عدم تبعیض) که در نسل اول و دوم مطرح است، می باشد. آقای استفن پ، مارکس (Stephan p marks Volume 17, 2004) تعهدات موجود در حوزه حقوق بشر را به چند گروه کلی تقسیم می کند. در بخش اول تعهدات را تحت عنوان تعهدات کامل و تعهدات ناقص مورد بررسی قرار می دهد. در بخش بعدی تعهدات اشخاص در مقابل دیگران و جامعه، مورد بحث قرار می گیرد (Stephen P Marks 2003-p25). تعهدات کامل، تعهداتی هستند که از طریق روند قضایی به اجرا گذاشته می شوند در این چهارچوب بیشتر تعهدات دولت ها، تعهد به تضمین و نتیجه می باشد. منظور از تعهدات ناقص الزام به پیگیری بعضی سیاست ها برای رسیدن به بعضی نتایج می باشد در این تعهدات از ادبیاتی چون ارتقاء، تهیه مقدمات و تدارکات استفاده می گردد. نظریه قرارداد اجتماعی نیز در جهت توجیه مبنای حقوقی همبستگی بین افراد از یکطرف و افراد دولت از سوی دیگر مطرح شده است.

نظریه های مختلف در حوزه حق به توسعه

آقای استفن پ ماکر Stephen p Makrs در مقاله ای با عنوان چهار چوب حقوق بشر برای توسعه، هفت نظریه را مطرح می کند.

۱- رویکرد جامع گرانه (holistic)

در یک سند منتشره از طرف برنامه سازمان ملل برای توسعه (UNDP-1998-P.16) که ناظر به استراتژی این نهاد برای ادغام حقوق بشر در داخل توسعه پایدار انسانی می باشد بر

پیوندهای داخلی و غیرقابل تجزیه بودن همه مصادیق حقوق بشر از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی تأکید شده است. استدلال می‌شود که حقوق مدنی و سیاسی حقوق آزادی از یا حقوق اعطایی (droit attribut) می‌باشند در حالیکه حقوق اجتماعی و اقتصادی حق به (Right To) و یا حقوق مطالباتی (DROITS- CREANCE) می‌باشند. حقوق نسل اول مطلق بوده و قابلیت اجرایی فوری را دارند. در حالیکه حقوق نسل دوم نسبی بوده و به طور تدریجی محقق می‌شوند. همچنین نقض حقوق نسل اول به لحاظ فقدان منابع قابل توجیه نمی‌باشند در حالیکه نسل دوم معمولاً دعوت به همکاری و استفاده از منابع می‌باشد. این مرز بندی که در زمان جنگ سرد جدی گرفته می‌شود در دوره بعد از جنگ سرد تا حدی اعتبار خود را از دست داده است به همین سبب در رویکرد جامع‌نگری (holistic) به حقوق بشر از مرز بندی بین نسل‌های حقوق بشر خودداری می‌گردد و هر چند که دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به عنوان مرجعی برای تعیین معیارها باقی می‌مانند، جهت‌گیری اسناد مختلف حقوق بشری مؤید رویکرد جامع‌نگر می‌باشد. از جمله: ماده ۲۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۵ اعلامیه، اصول راهنمای ماستریخت ناظر به نقض حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در سال ۱۹۹۸ توسط یک گروه کاری تدوین شده است (Maastricht guidelines 1998, p. 20, p. 692). در تمامی این اسناد حقوق بشر به عنوان یک مجموعه بهم پیوسته، مرتبط، غیرقابل تقسیم می‌باشند و توسعه رویکرد جامع‌نگر (holistic) به این معنی است که حقوق بشر همه حوزه‌های زندگی انسان را در بر می‌گیرد.

۲- حقوق بشر با رویکرد پایه ای (The human rights based approach)

در چهارچوب این رویکرد، توسعه باید با احترام به حقوق بشر تحقق پذیرد. برای رسیدن به هدف توسعه باید شیوه‌ها و راه‌ها، منطبق با الزامات حقوق بشر باشد. به عبارت دیگر، حقوق بشر باید در توسعه پایدار ادغام گردد. تعریف اساسی این گزارش عبارت است از اینکه بدنه حقوق بین‌الملل تنها چهارچوب مورد توافق بین‌المللی است که مجموعه هماهنگی از اصول و شیوه‌های عملی برای همکاری‌های توسعه می‌باشند که راهنمای همه جانبه برای همیاری مناسب توسعه می‌باشد. این راهنمایی‌ها از جمله شامل راهها و ابزار تحقق آن، تعیین اولویت‌ها، وظایف و تعهدات هر دو کشور کمک‌کننده و دریافت‌کننده کمک‌ها و نحوه اعطای کمک‌های رسمی توسعه، می‌باشد. جولیا هازرمن رویکرد حقوق بشری به توسعه را اینطور تعریف می‌کند: «مردم را در رأس قرار می‌دهد و توسعه انسان محور را ارتقاء می‌دهد. کرامت ذاتی هر انسان بدون تبعیض، شناسایی و ارتقاء برابری بین زن و مرد، ارتقاء برابری فرصتها و حق انتخاب برای همه، ارتقاء سیستم ملی و بین‌المللی تعادل اقتصادی، برابر و

تساوی در دسترسی به منابع عمومی، عدالت اجتماعی، ارتقاء احترام متقابل بین مردم» (Julia Houseran, 1998, p. 32).

دفتر کمیسیاریا برای حقوق بشر اصطلاح حقوق مبتنی بر رویکرد توسعه به کار می‌بندد که چنین تعریف می‌گردد:

"حقوق مبتنی بر رویکرد توسعه یک چهار چوبی مفهومی در روند توسعه انسانی است که به‌طور هنجاری متکی بر استاندارد های بین‌المللی حقوق بشر بوده و از جنبه عملیاتی به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر هدایت می‌گردد."

حق مبتنی بر رویکرد توسعه عناصر زیر را در بر می‌گیرد:

- ۱- ارتباط صریح با حقوق مردم؛ ۲- قابلیت حساسی و شفافیت؛ ۳- توانمندسازی؛ ۴- مشارکت؛ ۵- عدم تبعیض و توجه ویژه به اقشار آسیب پذیر (<http://www.unhehr.ch>).

۳- رویکرد عدالت اجتماعی

بسیاری در حوزه سلامت عمومی (Public Health) اهمیت نخست را به از بین بردن شکاف اجتماعی و نابرابری در دسترسی به سلامتی اختصاص می‌دهند. برنامه عمل بیشتر آنها در زمینه امنیت غذایی، مسکن مناسب، محیط زیست و جهانی سازی، نمونه هایی از پی‌گیری عدالت اجتماعی می‌باشد. حقوق بشر کلاً به عنوان جایگزینی برای عدالت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. این فرضیه مطرح شده است که هر آنچه در شکل‌گیری عدالت اجتماعی در زمینه توسعه است همچنین مشارکتی برای تحقق حقوق بشر نیز می‌باشد. هدف نهائی حق بر توسعه «بر الزام اخلاقی ریشه کنی بی‌عدالتی اجتماعی استوار است» و بر مفهوم عدالت اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی تأکید می‌ورزد. پاراگراف ۱ ماده ۸ اعلامیه حق به توسعه به تکلیف دولت‌ها در تضمین برابری فرصت‌ها در دسترس به منابع پایه‌ای، آموزش، خدمات بهداشتی، تغذیه، مسکن، اشتغال و سهم منصفانه در درآمدها اشاره می‌کند. از اینرو اعلامیه ضرورت انجام اصلاحات اقتصادی و اجتماعی مناسب جهت ریشه کن نمودن همه اشکال بی‌عدالتی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

در حق به توسعه الگوهای جدید توسعه که قادر به محو بی‌عدالتی و ارتقاء صلح باشد، مورد توجه قرار گیرد.

۴- رویکرد قابلیت مدار و اهلیت (the capabilities approach)

آقای آماریتاسن برنده جایزه نوبل اقتصادی رویکردی در خصوص حقوق بشر و توسعه منتشر کرده است که بشدت مورد پشتیبانی قرار گرفت. در فصلی از مطلب منتشره با عنوان «فقر بعنوان سلب‌کننده قابلیت و اهلیت در توسعه بمثابة آزادی»، اظهار می‌دارد که: توسعه،

تحصیل کالا و خدمات بیشتر نیست بلکه افزایش آزادی انتخاب، دستیابی به نوعی از زندگی با ارزش است. این افزایش انتخاب ها صلاحیت و اهلیت خوانده میشود. او توضیح می‌دهد که فقر محرومیت از صلاحیت های پایه ای می باشد. برای درک بهتر فقر بهتر است به غیر از درآمد به جنبه های دیگر زندگی از جمله آزادی در انتخاب توجه کرد.

در اینجا اهلیت یک گزینه ای قابل دسترسی برای افراد است تا در بعضی از جنبه های ارزشی زندگی مشارکت کنند که کارکرد آن حق انتخاب می باشد.

برای مثال، اهلیت مرتبط با غذا بدان معنی است که غذا در اختیار ماست، قابل دسترسی، قابل تهیه و به لحاظ فرهنگی مناسب می‌باشد (Id-99).

توسعه انسانی در واقع دیدگاهی مشترک با حقوق بشر دارد. هدف، آزادی انسان است و برای پیگیری قابلیت ها و تحقق حقوق، این آزادی حیاتی است. مردم برای اعمال حق انتخاب خود باید آزاد باشند تا در تصمیم گیریهای که بر زندگی آنها اثر می گذارد، مشارکت کنند. توسعه انسانی و حقوق بشر متقابلاً همدیگر را تقویت کرده و برای تأمین سعادت و کرامت همه مردم کمک نموده و احترام به خود و احترام به دیگران را بوجود می‌آورند.

۵- رویکرد حق محور به توسعه (The right to development approach)

پنجمین رویکرد حقوق بشری به توسعه انسانی این است که توسعه به عنوان حقوق بشر قلمداد گردد. در دهه ۷۰ حق به توسعه به طور عمومی به عنوان حقوق بشر مطرح گردید. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۶ در اعلامیه خود حق به توسعه را بعنوان حقوق بشر معرفی کرد. این اعلامیه در نشریات حقوقی و حقوق بشری مورد حمایت قرار گرفت ولی نظریات انتقادی و مخالف هم در نشریات حقوقی و سیاسی ظاهر گردید. در قطعنامه بودجه سال ۹۷-۱۹۹۶، سازمان ملل مجمع عمومی طی یک الحاقیه درخواست کرد که کمیسیون عالی یک بخشی را ایجاد کند که وظیفه اصلی آن ارتقاء و حمایت از حق توسعه باشد (A/Res / 50/214 (1996) p. 37). اعلامیه وین و برنامه عمل "حق به توسعه، یک حق فراگیر، ذاتی و بخش جدایی ناپذیر از حقوق بنیادین بشر" خوانده شد (World conference on human rights, June 1993, part 10) در ۲۲ آوریل ۱۹۹۸ کمیسیون حقوق بشر با اجماع حق به توسعه را تصویب و به شورای اقتصادی و اجتماعی توصیه کرد مکانیسم پی گیری را که شامل یک کار گروه می‌شود تأسیس و از همکاری کارشناسان مستقل استفاده کند (Commission on human rights resolution 1998/72).

کشورهای عضو جنبش عدم تعهد در سال ۲۰۰۳ قطعنامه‌ای از ابزارهای لازم‌الاجرای حقوقی در خصوص حق به توسعه‌ی جانبداری کردند. این درخواست در قطعنامه مصوب کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۳ مد نظر قرار گرفت. کمیسیون حقوق بشر از کمیسیون فرعی درخواست کرد اسناد لازم برای گزینه‌های اجرایی حق به توسعه و من جمله یک استاندارد حقوقی بین‌المللی با ماهیت الزام آور و اصولی برای مشارکت در توسعه فراهم کند (Commission on human rights resolution 2003/ 83). با وجود این، این قبیل تصمیمات همانطوری که آقای استفن پی مارکس (Stephen p Marks, vol. 17, 2004, p 152) اظهار داشت بر این فرض گمراه کننده استوار است که اعلامیه حق به توسعه یک پیروزی برای کشورهای فقیر در مقابل نظم نوین اقتصادی سال‌های ۷۰ قلمداد می‌گردد. بنابراین حق به توسعه در برگیرنده هم بازنگری نقاداً روند توسعه و هم برنامه عمل ناظر به ادغام حقوق بشر با تمام روند توسعه می‌باشد. به طور خلاصه، اعلامیه حق به توسعه متنی متعادل است که از نظر مدل توسعه بی‌طرف نیست. با تصریح به اینکه انسان موضوع محوری توسعه بوده و با درخواست اینکه تحقق همه حقوق بشر بخشی از توسعه می‌باشد، اعلامیه جوهره انسانی توسعه را تعریف می‌کند.

۶- رویکرد مسئولیت‌گرا (The responsibilities approach)

مبحث مربوط به ماهیت مسئولیت، محدوده آثار مترتب بر آن یکی از مباحث کلیدی در حوزه حقوق بشر بطور عام و در حق به توسعه به طور خاص می‌باشد. در حقیقت در خصوص وجود و گستره تکالیف و یا مسئولیت‌ها یک آشفتگی مبحث وجود دارد. بعضی‌ها از این دیدگاه‌ها جانبداری می‌کنند که تکالیف فرد در قبال جامعه جوهره حضور فرد در جامعه را تشکیل داده و این تکالیف بر تلاش‌های فردی در توسل به حقوق بشر در به چالش کشاندن مبانی فرهنگی جامعه غلبه داشته و رفتار فرد بر پایه الزامات فرهنگی جامعه تعریف می‌گردد و نه اصول و هنجارهای حقوق بشری. در حقیقت در چهارچوب استانداردهای حقوق بشری سه گونه تکالیف که قادر به ایجاد مسئولیت مستقیم و غیر مستقیم هستند، قابلیت شناسایی می‌باشند. نخست اینکه بنابر یک نظر کلی در مقابل هر حقی تکالیف برای دولت وجود دارد. دومین نظر متکی بر مفهوم قرارداد اجتماعی است که بر طبق آن هر فردی در مقابل حمایت جامعه از آزادی و امنیت وی، تعهداتی را برعهده می‌گیرد. سومین گونه از تکالیف که در اکثر متون بین‌المللی حقوق بشری مورد شناسایی قرار گرفته است شامل محدودیت‌های مشروعی است که در بعضی از شرایط و اوضاع و احوال، عدم رعایت بعضی

از حقوق را توجیه می کند، و این امر موجب تعدیل ویژگی این حقوق به خاطر شرایط اضطراری است.

ارتباط و بهم پیوستگی حق و تکلیف یک مفهوم سنتی فلسفه اخلاقی است. کانت می گوید ما به آزادی خود آگاهیم (که از این آزادی ناشی می گردد) از طریق اوامر اخلاقی که تکالیفی توصیه می کند. اهلیت وادار کردن دیگران به انجام وظایف یک مفهوم حقوقی است که در جوهره خود به نوعی از الزامات اخلاقی فرمان می برد (Stephen p marks, 2004. p.154).

انتقال دریافت های کانت از مفاهیم حقوق و تکالیف به حوزه جاری حقوق بشر در پرتو تفکیک بین تکلیف عدالت و تکلیف به پرهیزکاری مجادله برانگیز می باشد. تکالیف نوع اول، تکالیف کاملی است که نقض آنها مسئولیت مدنی یا جزایی بدنبال دارد در حالیکه تعهدات نوع دوم که ناقص خوانده می شوند، فقط سرزنش اخلاقی را به دنبال دارد.

۷- حقوق بشر (حق به توسعه) با رویکرد آموزشی

هفتمین رویکرد ادغام حقوق بشر در پراتیک حق به توسعه، حقوق بشر رویکرد آموزشی است جوهره این نظر این است که موثرترین وسیله افزایش قابلیت های مردم ایجاد تسهیلات برای دگرگونی های اجتماعی آنها از طریق مشارکت آنها در تصمیماتی است که در روند توسعه تاثیر می گذارد (Stephen p Marks p 61). تأکید بر اهمیت امر آموزش در حوزه حقوق بشر در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ظاهر شده است. زمانیکه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ دهه آموزش حقوق بشر (۲۰۰۴-۱۹۹۵) را اعلام کرد. تعریفی قابل قبول از آموزش حقوق بشر ارائه داد «آموزش حقوق بشر پیش از آنکه تولید اطلاعات باشد، یک روند طولانی و جامع زندگی است که طی آن مردم در هر سطحی از توسعه و در کلیه لایه های اجتماعی احترام به شأن و کرامت دیگران و همچنین ابزار و شیوه تضمین این احترام در یک جامعه دموکراتیک را می آموزند» (UN Doc. A /48/49 1993)

اگر مردم در هر جایی خود را ملزم به ساختن یک فرهنگ سیاسی مبتنی به حقوق و مسئولیت، احترام، تضمین و اجرای حقوق بشر برای عمومی بدانند فضا برای سوء استفاده از اعتماد ملی، خشونت علیه تمامیت فیزیکی و معنوی دیگران و استثمار آسب پذیر بسته می شود (Stephen p Marks p. 62).

هر چند که این هفت رویکردی که مورد بحث قرار گرفت، نمی تواند به عنوان دیدگاه های انحصاری مطرح شود ولی دربرگیرنده شیوه های اصلی است که در زمینه حق به توسعه قابل اعمال میباشد. آموزش حقوق بشر در اشکال مختلف میتواند ظاهر گردد از گروه های کوچک مطالعاتی گرفته تا تشکیل جوامع حقوق بشری. بطور کلی مفهوم جوامع حقوق بشری

که به نحوی توسط حقوق بشر (PDH RE) ارتقاء یافته است برپایه این ایده استوار است که
اعضاء جوامع حقوق بشری در تمامی ابعاد و سطوح زندگی تعهدات و تکالیف حقوق بشری
را به مرحله اجرا بگذارند. چه در سطح خانوادگی به عنوان مثال در مورد رعایت حقوق زنان
و کودکان در منزل همانطوری که در کنوانسیون حقوق کودک و کنوانسیون امحاء تمامی
اشکال تبعیض علیه زنان آمده است و در سطح حرفه ای میبایستی استانداردهای حقوق بشری
را در محاکم رعایت کنند.

جهت گیری کشورها

در بررسی رویکرد کشورها به حق به توسعه باید بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای
در حال توسعه (و یا جهان سوم) تفکیک قائل شد. و در ارتباط با دیدگاه‌های کشورهای گروه
نخست باید نقش آمریکا را برجسته کرد. چرا که آمریکا نقشی فعال در مخالفت با حق به
توسعه ایفاء می‌نماید. سایر کشورهای توسعه یافته یا از مواضع ایالات متحده آمریکا پیروی
می‌نمایند و یا اینکه مواضع خود را در چهارچوب فعالیت نهادهای بین‌المللی بیان می‌کنند و به
صورت مستقل و انفرادی مواضع خود را اعلام کرده‌اند. کشورهای در حال توسعه نیز یک
جهت گیری کاملاً سیاسی از حق به توسعه ارائه داده و از آن به عنوان ابزاری در تهاجم به
مواضع حقوق بشری کشورهای توسعه یافته سود می‌جویند.

ملاحظات ایالات متحده آمریکا در خصوص حق به توسعه

دفاع از اقتصاد و دموکراسی لیبرالی آمریکا را به اتخاذ و مواضع سرسختانه علیه حق به
توسعه سوق داده است. تصمیم سازان آمریکا بر این باور هستند که الزام دولت‌ها به کمک
رسانی به یکدیگر و تبعیت از اصل همبستگی در مناسبات بین‌المللی با جوهره حق حاکمیت
کشورها در تعارض می‌باشد و یا دست کم آن را محدود می‌کند و در این ارتباط تفاوتی اندک
بین جمهوری خواهان و دمکرات‌ها وجود دارد. جمهوری خواهان آزادی‌های اقتصادی را
موتور توسعه می‌دانند درحالیکه دمکرات‌ها اهمیت زیادی به نقش آزادیهای فردی در امر
توسعه قائل هستند. و در هر دو حزب با رویکرد همبستگی در مناسبات اجتماعی و اقتصادی
به شدت مخالف می‌گردد. به هنگام طرح پیش نویس حق به توسعه در سال ۱۹۸۱ آقای
میشل نوواک (Un doc 1981, p 237) مؤلف روح دموکراسی سرمایه داری و مدیر مطالعات
سیاسی و اجتماعی در مؤسسه آمریکا اظهار می‌دارد که چنانچه عبارت حق به توسعه به

اصطلاح منطبق با تجارب و مسیر طی شده توسط آمریکا تبدیل گردد، مفید خواهد بود. او به کمیسیون تدوین پیش نویس حق به توسعه اظهار می‌دارد: "در سال ۱۸۸۱ هیچ کس صحبت از حق به توسعه نمی‌کرد با وجود این، آمریکا این شانس و فرصت را داشت که توسعه بیابد. این امر به این دلیل تحقق پیدا کرده است که ملت آمریکا می‌دانست که مسئولیت اصلی توسعه با خود آنهاست."

هیئت نمایندگی آمریکا در کمیسیون تدوین پیش نویس حق به توسعه اظهار می‌دارد که توسعه به برکت اقتصاد آزاد و تحرک مؤسسات خصوصی رخ داده نه از طریق حق به توسعه ادعایی و هیچ تأسیسی به اندازه تجارت خصوصی زمینه ساز پیشرفت اقتصادی در قرن حاضر نمی‌باشد. آقای نوواک به کمیسیون متذکر می‌شود که کاپیتالیسم موتور توسعه است و از اینرو کسانی را که سرمایه داری را به لحاظ فراهم کردن امکان انباشت سرمایه مانع راه توسعه می‌دانند به شدت مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌دهد و توسعه را مشکلی از اشکال افزایش سود معرفی کرده و آن را حاصل سرمایه‌گذاری منطقی، رشد منطقی و موج منطقی رو به جلو معرفی می‌کند. این دیدگاه توسط نماینده ایالات متحده آمریکا در گروه کاری کارشناسان دولتی در سال ۱۹۸۷ مورد حمایت قرار گرفت (Un doc. 1987.p 10).

یکی از نمایندگان دولت کلینتون در کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۹۹ اظهار کرد که هیئت نمایندگی آمریکا معتقد است که بحث مربوط به حق توسعه باید روی نقش آزادی‌های فردی در شکل‌گیری توسعه، شفافیت در حکمرانی و نقش مؤثر قانون در ارتقاء طبیعی رشد و سعادت متمرکز گردد. نمایندگان آمریکا به گروه کاری توصیه می‌کنند که یک مطالعه کامل در خصوص ارتباط تنگاتنگ بین اقتصاد، توسعه اجتماعی از یک طرف و شناسایی سراسری آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر از طرف دیگر انجام دهند. نمایندگان دولت آمریکا نه تنها طرح حق به توسعه را مفید نمی‌دانند بلکه آن را پوششی برای نقض گسترده حقوق بشر از جانب کشورهای جهان سوم می‌دانند مخالفت آمریکا با حق به توسعه در پنج گروه قابل شناسایی می‌باشد که عبارتند از: ۱- ارتباط حق توسعه با اقتصاد؛ ۲- حقوق اجتماعی؛ ۳- آشفستگی و ابهام در مفهوم حق توسعه؛ ۴- تعارض صلاحیت‌ها؛ ۵- عدم سازگاری حق توسعه با مقررات بین‌المللی (Un doc. E/ cna/1999/sr.p 59).

سایر کشورهای توسعه یافته

اکثر کشورهای توسعه یافته که حامی حقوق بشر بوده و بخصوص از تحقق حقوق مدنی و سیاسی حمایت می‌کنند به طور علنی آشکار با حق به توسعه مخالفت نکرده ولی در عمل سیاست‌های اقتصادی خود را با الزامات حق به توسعه پیوند ندهاند و در برنامه‌ریزی‌های

اقتصاد داخلی ملاحظیات حق به توسعه را منظور نمی نمایند. این کشور با گفتمان حق به توسعه موافق بوده و تحقق آن را پیشرفتی در کلیت حقوق بشر می دانند. با وجود این، تحقق این حق را یک پروسه طولانی تلقی می کنند و در کوتاه مدت آن را قابل اجرا نمی دانند و به لحاظ نظری به تقویت بحث در نهادهای بین المللی علاقمندی نشان می دهند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در این گروه قرار دارند که حق توسعه را فرصتی برای تقویت گفتمان حقوق بشری بین شمال و جنوب می دانند.

کشورهای در حال توسعه گروه هفتاد و هفت

موضوع این کشورها بسیار بحث برانگیز و ضد نقیض می باشد. از یک طرف، این کشورها با برداشتهای کشورهای توسعه یافته از حقوق مدنی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی موافق نمی باشند و از طرف دیگر، عدم حمایت عملی از حق توسعه توسط کشورهای توسعه یافته را مورد انتقاد قرار می دهند. به طور کلی، کشورهای در حال توسعه حق به توسعه را با مباحث توسعه دهه های شصت و مرتبط می دانند و رویکرد حقوق بشری به بحث حق به توسعه ندارند و این در شرایطی است که همه کشورهای در حال توسعه به اعلامیه حق به توسعه رأی مثبت داده اند با توجه به رأی مخالف آمریکا و رأی ممتنع کشورهای دانمارک، فنلاند، جمهوری فدرال آلمان، ایسلند، اسرائیل، ژاپن، سوئد و انگلستان مواضع گیری کشورهای در حال توسعه را بیشتر باید رویکردی تقابلی با کشورهای توسعه یافته ارزیابی کرد تا رویکردی حمایتی؛ چرا که کشورهای در حال توسعه هیچ اقدامی عملی برای اجرائی کردن حق به توسعه اتخاذ کرده اند. در حوزه ی تقویت و ارتقاء نسل اول حقوق بشر نیز با چالش های زیادی مواجه می باشند و با توجه به یکپارچگی حقوق بشر و ارتباط تنگاتنگ اجزای آن بدون درک نسل اول و دوم حقوق بشر دفاع از حق به توسعه به عنوان یک بخش مستقل حقوق بشر کمکی به ارتقاء مجموعه حقوق بشر نخواهد کرد. با وجود این، کشورهای در حال توسعه بر اجرای حق به توسعه بعنوان بخشی از مطالبات خود از کشورهای توسعه یافته همچنان اصرار می ورزند. در سومین جلسه گروه واکنش سریع حق به توسعه تعدادی از کشورهای در حال توسعه به تشریح دیدگاه های خود پرداختند.

کوبا به نمایندگی از جنبش عدم تعهد، اعلام کرد که سران جنبش عدم تعهد در اجلاس هاوانا (سپتامبر ۲۰۰۶) بر ارتقاء حق توسعه همسان با دیگر حقوق بشر از طریق تدوین کنوانسیون در این زمینه تأکید کردند. هند ضمن تأیید مطالب مطروحه از سوی نماینده جنبش عدم تعهد، بر حصول تناهی مملوس و عینی از جلسه گروه ضربت تأکید کرد. بنگلادش ضمن

حمایت از فعالیت گروه ضربت و گروه کاری، بر لزوم کار بر حق توسعه و همکاری‌های بین‌المللی توسعه ای تأکید نمود. اندونزی نیز با ذکر اولویت‌بندی در راه‌ها و شیوه‌های ارتقاء حق توسعه، تدوین سند الزام آور و حقوقی را یکی از شیوه‌ها اعلام کرد. چین و الجزایر (به نمایندگی از گروه آفریقایی) و آفریقای جنوبی بر عملیاتی کردن حق توسعه و حصول نتایج ملموس در فرآیند بررسی حق توسعه و ضرورت داشتن گفتگوی آزاد و صریح تأکید کردند (UN doc. E/CN.4/2004/23).

مواضع کشورهای در حال توسعه، متأثر از مباحث و گفت‌وگوهای دهه شصت در آنکتاد است و هیچ ارتباطی به اعلامیه حق به توسعه و جهت‌گیری کنفرانس وین ۱۹۹۳ در خصوص حقوق بشر ندارد. چرا که همانند دهه شصت کشورهای جهان سوم بر مسئولیت تاریخی کشورهای توسعه یافته در کمک بلاعوض به کشورهای در حال توسعه تأکید کرده و هیچ مسئولیتی برای خود در عدم هدایت جامعه به سوی توسعه قائل نیستند. در این رویکرد وجود هرگونه ارتباطی بین رعایت نسل اول و دوم حقوق بشر و توسعه را کلاً رد می‌کنند. به طور کلی مواضع کشورهای در حال توسعه با جهت‌گیری اعلامیه حق به توسعه فاصله زیادی داشته و با آن سازگار نمی‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد که دریافتی واحد از مفهوم توسعه بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه وجود ندارد. از نظر کشورهای توسعه یافته حق به توسعه در امتداد حقوق نسل اول و دوم قرار داشته و مرتبط با آن حقوق می‌باشد. در حالیکه از نظر کشورهای در حال توسعه، حق به توسعه پیش شرط تحقق حقوق مدنی و سیاسی بوده و در زمره مطالبات کشورهای در حال توسعه از کشورهای توسعه یافته قرار دارد. و بدین ترتیب حقی است علیه دولت‌های توسعه یافته و نه حقی برای مردم در مقابل دولت‌های ملی.

شورای حقوق بشر سازمان ملل و حق به توسعه

شورای حقوق بشر از بدو تأسیس خود در سال ۲۰۰۶ به مسأله حق به توسعه توجه ویژه مبذول داشته است. شورا در قطعنامه تأسیسی خود حق به توسعه را مورد تأکید قرار داده و در اجلاس بعدی، موضع شورا در این خصوص مستحکم شده است. شورای حقوق بشر به موجب قطعنامه ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ مارس ۲۰۰۶ تأسیس گردید و در نخستین اجلاس خود (۱۶ تا ۳۰ ژوئن) قطعنامه‌ای را در زمینه حق به توسعه تصویب کرد و در آن، اعلامیه حق به توسعه در سال ۱۹۸۶ و کنفرانس جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ را دست‌آوردی مهم برای تحقق حق به توسعه قلمداد کرده و نتایج هفتمین اجلاس گروه کاری کمیسیون حقوق بشر در زمینه حق به توسعه را مثبت ارزیابی می‌کند و از گروه کاری در خواست می‌کند در سه ماهه اول سال ۲۰۰۷ جلسه پنج روزه ای برگزار نماید. از کمیسیون

فرعی ارتقاء و حمایت از حقوق بشر درخواست می‌کند که فعالیت خود در زمینه پیگیری حق به توسعه بر اساس رهنمودهای مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر با رعایت تصمیمات متخذه در شورای حقوق بشر ادامه دهد. و بر لزوم مشارکت فعال مؤسسات و برنامه‌های توسعه‌ای ملل متحد در فرآیند اجرای حق توسعه و نهایتاً تمدید دوره فعالیت گروه کاری و گروه ضربت از سوی شورای حقوق بشر برای دو سال ارائه، تأکید کرد.

شورای حقوق بشر در چهارمین اجلاس خود (۱۲-۳۰ مارس ۲۰۰۷) قطعنامه دوم خود را در خصوص حق توسعه به تصویب رساند. شورا در این سند با یادآوری قطعنامه قبلی خود (Resolution, A/HRC/1/4/30, June 2006) و همه قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر در زمینه حق توسعه به ویژه در خصوص نیاز مبرم برای تحقق و واقعیت یافتن حق توسعه برای همه افراد، با اشاره به منشور ملل متحد و اسناد مهم حقوق بشری و مد نظر قراردادن تلاش‌های گروه کاری حق توسعه و گروه ضربت حق توسعه در راستای تدوین مجموعه‌ای از ملاک‌ها برای ارزیابی دوره‌ای مشارکت جهانی مطرح شده در اهداف هشت گانه توسعه هزاره:

۱- از گزارش اجلاس هشتم گروه کاری حق توسعه استقبال می‌نماید:

الف: در راستای تضمین اینکه دستور کارش باعث ترویج و پیشبرد توسعه پایدار و اهداف توسعه هزاره شود، عمل نماید و در این زمینه، حول برنامه کاری به منظور ارتقاء حق توسعه، مندرج در بندهای ۵ و ۱۰ اعلامیه و برنامه اقدام وین، در کنار دیگر حقوق و آزادیهای بنیادین بشر، موافقت می‌نماید:

ب: نقشه راه (برنامه عملیاتی) مندرج در بندهای ۵۲ تا ۵۴ گزارش اجلاس هشتم گروه کاری حق توسعه، در زمینه تضمین ملاک‌های ارزیابی دوره‌ای مشارکت جهانی اهداف توسعه هزاره، را تأیید می‌نماید:

ج: ملاک‌های یاد شده بایستی به نحو مقتضی در راستای تشریح جامع و همگون استانداردهای اجرای حق توسعه مورد بهره‌برداری قرار گیرند:

د: به منظور تکمیل عبارات فوق، گروه کاری اقدامات لازم را برای تضمین احترام و بکارگیری عملی استانداردهای یاد شده در اشکال مختلف اتخاذ خواهد کرد، از جمله، اصول راهنمای اجرای حق توسعه، حرکت به سمت مبنایی برای بررسی هنجار حقوقی بین‌المللی با ماهیت الزام‌آور از طریق فرایندی جامع؛

ه: مأموریت گروه کاری حق توسعه را برای دو سال تجدید می‌نماید و گروه کاری باید اجلاس‌های سالانه را برگزار نموده و گزارشهایش را به شورا تقدیم کند؛

و: همچنین مأموریت گروه ضربت اجرای حق به توسعه را برای دوسال تمدید می‌کند و گروه ضربت نیز نشست‌های سالانه خود را برگزار نموده و گزارش‌های آن را به گروه کاری ارائه خواهد کرد:

ز: از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر درخواست می‌نماید که به منظور اجرای قطعنامه حاضر؛ همه اقدامات لازم را بعمل آورده و منابع مالی را تخصیص دهد؛
۲- تصمیم می‌گیرید فرآیند اجرای این قطعنامه را بعنوان یکی از اولویت‌های در اجلاس‌های آینده مورد بازنگری و بررسی قرار دهد.

نهادی بین المللی و حق به توسعه

سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن نقشی تعیین‌کننده در شناساندن حق به توسعه، شفاف سازی مفهوم آن، به عهده گرفته است. مجمع عمومی با تصویب قطعنامه حق به توسعه راه را برای ورود حق به توسعه به مجموعه حقوق موضوعه باز کرده است. مجمع عمومی همچنین در سال ۱۹۹۳ کمیساریای عالی حقوق بشر دستور می‌دهد تا نقشی مهم در تحقق حق به توسعه ایفاء نماید. کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه‌ای در دوم مارس ۱۹۷۹ حق توسعه را به عنوان یکی از موضوعات حقوق بشری به رسمیت می‌شناسد. کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه شماره ۳۶ در اجلاس سی و هفتم یک گروه کاری برای بررسی حق به توسعه را ایجاد می‌کند. در سال ۱۹۹۳ نیز کمیسیون حقوق بشر یک گروه کاری برای ارزیابی مفهوم توسعه را بوجود می‌آورد. کمیسیون حقوق بشر طی قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۷۲ خود از کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌خواهد تا هر ساله گزارشی در خصوص حق به توسعه به این کمیسیون ارائه دهد. مجمع عمومی سازمان ملل در جهت ارتقاء حقوق بشر در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ قطعنامه‌ای را با عنوان حق توسعه تصویب کرد (A/RES/50/1995). در این قطعنامه به‌طور روشن ارتباط حق توسعه با ابعاد دیگر حقوق بشر نشان داده شده است.

سازمان ملل همچنین اقدام به گروه کاری حق به توسعه کرده است. این گروه کاری به موجب قطعنامه شماره ۱۹۹۸/۷۲ حقوق بشر تشکیل شده است. به درخواست کمیسیون حقوق بشر و بر پایه قطعنامه ع/۲۰۰۵، گروه کاری مکلف شده است تا اهداف هزاره را در خصوص مشارکت جهانی برای توسعه را بررسی کند. تشکیل نیروی عالی رتبه برای اجرای حق به توسعه نیز از جمله تلاش‌های سازمان ملل برای تحقق حق به توسعه می‌باشد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) نیز به حق توسعه علاقمندی نشان داده است. و نماینده این نهاد در جلسات کاری حق توسعه مشارکت می‌نماید. این نهاد حق توسعه را بخشی از خانواده حقوق

بشر قلمداد کرده و به قاعده‌مندی بیشتر حق توسعه در قالب حقوق بشر تأکید می‌نماید و ارتقاء سطح مشارکت و همکاری در سطح ملی و بین‌المللی را از لوازم تحقق آن می‌داند (A/HRC/ WC.2/TF/2-2008).

با وجود این، این نهاد هیچ برنامه مشخص در ارتباط با حق توسعه نداشته و جز ابراز علاقمندی به این موضوع، اقدامی در کارنامه خود ثبت کرده است. کنفرانس سازمان ملل برای توسعه و تجارت (آنکتاد) نیز همانند (UNDP) به حق توسعه علاقمندی نشان داده و نماینده این نهاد نیز در جلسات مربوط به حق توسعه شرکت کرده و از فعالیت‌های نیروی عالی رتبه حق توسعه حمایت می‌کند (Ibid).

سازمان علمی، فرهنگی، آموزشی سازمان ملل متحد (یونسکو) نیز در ترویج مفاهیم حقوق بشری و ترویج فرهنگ صلح در بعد علمی و آموزشی آن گام‌هایی مفید برداشته است. یونسکو در چهارچوب برنامه‌هایی چون آموزش برای همه، علم در خدمت توسعه، توسعه فرهنگی، ارتباطات، اطلاع‌رسانی و انفورماتیک، صلح مثبت و پایدار به فرآیند درک صحیح از مفهوم جامع و فراگیر از حقوق بشر یاری رسانده است.

میان سازمان‌های تخصصی سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ارتباطی بیشتر با توسعه دارند. بانک جهانی همواره در جلسات گروه‌های کاری حق به توسعه سازمان ملل مشارکت می‌کند ولی موضعی مشخص در ارتباط با حق توسعه اتخاذ نمی‌کند. در یکی از این جلسات نماینده بانک جهانی تصریح می‌کند که این بانک هیچ موضع رسمی در خصوص حق توسعه نداشته و از معیارهای حق توسعه حمایت کرده و از توسعه روبه پیشرفت این معیارها در راستای عملیاتی کردن آن استقبال می‌کند و اصول اساسی حق توسعه را مورد تأیید قرار می‌دهد. بانک همچنین به انجام پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه حقوق بشر در قالب فعالیت‌های سازمان همکاری، اقتصادی و توسعه می‌باشد. در سال‌های اخیر بانک جهانی با انتقادهای زیاد در خصوص لحاظ نکردن ملاحظات حقوق بشری در اعطای وام برای پروژه‌های خود مواجه بوده است از جمله: در پروژه سد سردار سرور، پروژه خط لوله چاد، کامرون (Armenia urban heating strategy, 1998 -p 57) صندوق بین‌المللی پول نیز از جمله نهادهای بین‌المللی است که وظایف ذاتی آن با امر توسعه مرتبط می‌باشد. صندوق بین‌المللی پول هیچ رسالت و مأموریتی برای فراهم کردن زمینه‌های تحقق حق به توسعه ندارد و همکاری دولت‌ها را در چهارچوب اساسنامه خود تحقق می‌بخشد. و با مقولات حقوق بشری به صورت مستقیم مرتبط نمی‌باشد.

نتیجه

تلاش خانواده سازمان ملل در گنجاندن حق به توسعه در مجموعه حقوق بشر، اعتبار بسیار به گفتمان حق به توسعه بخشیده است. در این راستا، نقش اعلامیه حق به توسعه ۱۹۸۶ در شناساندن حق به توسعه بسیار با اهمیت می باشد. کنفرانس‌های متعدد سازمان ملل متحد، از جمله اجلاس وین ۱۹۹۳ نیز در ابهام زدایی سند این مفهوم سودمند بوده است. توجه کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر به موضوع حق به توسعه به یکی از موضوعات حقوق بشری مؤثر بوده است. با وجود این، حق به توسعه بنا به ماهیت خود به راحتی نمی تواند در کنار نسل اول و دوم حقوق بشر قرار گیرد. مطالبات فرد از دولت در نسل اول مشخص بوده و محدود به پاسخگویی و مسئولیت دولت‌ها در قبال ادعای نقض حقوق افراد به لحاظ حقوقی شفاف می باشد. تکلیف دولت در این حوزه عمدتاً شامل ترک فعل بوده و دولت‌ها با احترام به حقوق مدنی و سیاسی امکان رشد اجتماعی افراد را فراهم می کند. در نسل دوم نیز که تعهدات دولت‌ها از نوع ایجابی می باشد. تعهدات دولت‌ها به عنوان تعهد به وسیله محسوب شده و مطالبات فرد در حد امکانات و منابع دولت قابل طرح بوده و دولت در حد توان خود و بدون قید زمان در قبال شهروندان مسئول می باشد. از اینرو رابطه حقوقی بین دولت بعنوان مخاطب ادعاهای افراد با دارنده حق مشخص می باشد. ولی در خصوص حق توسعه به صورتی که طرح شده مناسبات حقوقی مشخصی بین مخاطب ادعا (دولت) و ذی حق (شهروند) روشن نمی باشد. تکلیف مشخص دولت که نقض آن مسئولیت آور باشد مشخص نشده است و از این جهت حق توسعه مستقل از نسل اول و دوم به سختی قابلیت اجرایی دارد. و بهتر است در ارتباط با نسل اول و دوم و مکمل حقوق مدنی، حقوق اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. مثلاً در رابطه حق دسترسی به آموزش، بهداشت، مسکن، غذا و اشتغال و غیره. به عنوان الزامات حق حیات، حق توسعه به عنوان مقدمه و نتیجه اعمال این حقوق مورد بحث قرار گیرد. به طور کلی حق توسعه به طور ذاتی و درونی با تمامی مصادیق نسل اول و دوم پیوند ناگسستنی دارد و طرح آن به صورت مستقل با ماهیت متفاوت از نسل اول و دوم نتیجه مورد نظر را بدست نخواهد داد. از این رو، معرفی این حق بصورت مستقل از حقوق نسل اول و دوم حقوق بشر به روند اجرائی شدن آن کمک نخواهد کرد و بیشتر به صورت یک ادعای سیاسی ظاهر می شود.

منابع و ماخذ:

الف. خارجی:

1. Adnraessen, Bard A. and Marks Stephen p. (eds) Development as a Human Right: legal, political and economic, Dimensions, Cambridge/ Massachusetts, Harvard university press, 2006.

2. Bedgaoui, Mohammad (ed) Droit International; bilan and perspective, Paris, Unesco 1991.
3. Hasuermam, Julia, A Human Rights approach to development, London 1998.
4. Marks Stephen p, The Human Right to development; between Rhetoric and Reality, Harvard Human Right Journal, vol. 12, 2004.
5. Sen, Amartya, development as Freedom, Newyourk, Knope, 1999.
6. Maastricht guidelines on violations of economic, social and cultural rights, guide line 4, Human Rights Quarterly 1998, p. 20, p. 692.
7. Sengupta, Arjun, "The theory and pratic on the Right to Development", HRQ, 2002, vol. 24, no 4 2002, p 845.
8. Sen Amartya., development as freedom, New York knopf, 1998, pp87-100.
9. Streeten, Paul, Freedom and Welfare; A review essay on Amartya Sen, Development as Freedom; population and development review, 26(1) 2000.
10. Vasak, Karl, A 30- year struggle, The Unesco, courier, nov.1977, at 29, in : well man Carl. Solidarity, the individual and Human Rights. Human Rights Quarterly vol. 22(2000) p 639.
11. Young Kim Jim, is culture destiny? The myth of Asia, anti democratic values, foreign affairs, 1994.

ب. اسناد

1. Un doc. E/ cn. 4/ 1475, 1981, p 237.
2. Un doc. E/ ch. 4/1987.p 10.
3. Un doc. E/ CNA/1999/sr. p. 59.
4. Un doc. E/ CNA/1999/sr. p 58.
5. UN doc. E /CN.4/2004/23/Add. 1, 23.
6. UNDP. Integration human rights with sustainable. Human development, UNDP policy document, New York January 1998.
7. UNDP, Human development report 2001 p 9.
8. Un office of high commissioner for Human Right (OHCHR) 2000 available at UNDP, Human Development Report, 2001, A/Res/50/214(1996).
9. UN Doc A/conf./157/23/12 July 1993.
10. A/HRC/1/4/, 30, June 2006.
11. A/Res/50/84/1995.
12. A/ RES. 48/127, 48 SESS. Supp no 49 at 246 UN doc. A/48/49 (vol. 1)1993.
13. A/Res / 50/214 (1996) p 37.
14. HRC/8WG. 2/TF/2- 2008.
15. OHCHR. 2000, [http://www.unhehr.ch/ development/ approach 04.html](http://www.unhehr.ch/development/ approach 04.html).
16. Vienna Declaration and program of action, Un Doc. A/conf/157/23/12 July 1993.
17. Commission on Human Rights resolution 1998/72.
18. Commission on Human Rights Resolution 2003/ 83.

ج. اینترنتی

1. Marks Stephen P, the human rights frame work for development: seven approaches. Working paper no 18, Xavier Barged center for health and human rights 2003-p25, available at <http://www.hsph.harvard.edu/xfb center/working paper.htm>.
2. Armenia urban heating strategy. Summary report and Recommendations. , the role of the World Bank 1998 -p 57. Available in <http://www.worldbank.org/html/extdr/rights/ hrtext.pdf>.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«قدرت اجرایی قطعنامه‌های شورای امنیت (جنگ عراق و کویت) سال ۷۳، شماره ۳۳. «وابستگی متقابل حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی در مسأله صلاحیت» سال ۷۵، شماره ۳۵. «تحلیل حقوقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» با تأکید بر ماده ۴ پیمان» سال ۷۶، شماره ۳۷. «گفت و گوی تمدن‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل» سال ۸۰، شماره ۵۳، «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر» سال ۸۱، شماره ۵۶. حق نسل سوم حقوق بشر و حق به توسعه سال ۸۶.